ستون‌های یادبود در مجموعه میراث جهانی بیشاپور

محمد خلیل محمودی
مدیر داخلی مجموعه میراث جهانی بیشاپور

شهر بیشاپور با حدود ۲۰۰ هکتار وسعت یکی از شهرهای تاریخی بوده که در اوایل حکومت ساسانی شکل گرفته است. برای اولین بار و با دستور شاپور اول ساسانی به‌صورت مستطیل‌شکل و با الگوگیری از طرح هیپودامو‌س با معماری هنرمندان ایرانی و رومی ساخته شده است.

این شهر تاریخی با ابنیه و معماری منحصربه‌فرد، جایگاه ویژه‌ای در آثار باقی‌مانده از دوران حکومت ساسانی دارد. ارک حکومتی در شرق مجموعه که بیشترین حفاری و کاوش در آن انجام شده شامل آثاری ارزشمند مانند: برج و باروِ کاخ منسوب به والرین، ایوان موزاییک، تالار تشریفات و معبد آناهیتاست که از اوایل قرن ۱۲ (۱۳۱۵ هجری و ۱۹۳۶ میلادی) مورد کاوش باستان‌شناسان خارجی و ایرانی قرار گرفته است.

یکی از شاخص‌ترین جاذبه‌های گردشگری مجموعه میراث جهانی بیشاپور، ستون‌های یادبود یا ستون‌های نذوراتِ است. در میانه شهر بیشاپور فضایی وجود دارد که به خاطر وجود دو ستون که یکی از آنان کتیبه دارد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

این دو ستون توسط پروفسور رومن گریشمن باستان‌شناس فرانسوی شناسایی شد. او اولین حفار مجموعه طبیعی‌تاریخی بیشاپور است که با پشتوانه مالی موزه لوور پاریس به همراه ژرژسال، در این شهر حفاری را آغاز کرده بود.

در سال‌های بعد نیز این دو ستون توسط گروه باستان‌شناسی به سرپرستی علی‌اکبر سرفراز، مرمت و برپا شد. متن موجود روی کتیبه‌های روی ستون نشان می‌دهد که شهر از عظمت و معماری خاصی برخوردار بوده و شاپور اول به‌عنوان دومین پادشاه حکومت ساسانیان شخصا از آن بازدید کرده است.

این کتیبه‌ها به خط پهلوی اشکانی در ۱۲ سطر و پهلوی ساسانی در ۱۶ سطر نقر شده است. متن این کتیبه‌ها شرح‌حالی از شاپور اول است که در هنگام بازدید از شهر، مجسمه خودش را از ظرف فردی به نام ایسا با افسای دبیر که از اهالی حران سوریه امروزی بوده به عنوان هدیه دریافت می‌کند و پادشاه در قبال آن مال فراوان به ایسای دبیر هدیه داده است.

از ساخت این پیکره پیداست که ایسای دبیر دارای مال فراوان بوده و توانسته چنین پیکره‌ای را درست کند. نکته حائز اهمیت در این کتیبه‌ها که توجه بسیاری از مورخان و پژوهشگران را به خود جلب کرده، ذکر چند تاریخ است که در متن آمده و سال‌های مربوط به دوران پادشاهی اردشیر و شاپور را ذکر کرده است.

هر دو متن کتیبه از لحاظ معنایی یکی است. امروزه این ستون‌ها در وسط بناها و سازه‌های اسلامی که بعد از حکومت ساسانیان با توجه به موقعیت اجتماعی و فرهنگی ساخته شده، قرار دارد و به سبب جایگاه مهم خط، مورد توجه گردشگران واقع شده است.

در جلوی ستون‌های یادبود، دو سکوا احتمالا برای برپایی آتش ایفاد شده است. سکوی بلندتری نیز که در جلوی ستون‌های یادبود و در وسط دو جایگاه نام‌برده‌شده، قرار دارد مربوط به محل قرارگیری پیکره شاپور اول ساسانی است. در سطح بالای ستون‌ها نیز سرستون‌های برگ کنگری که برگرفته از سرستون‌های سبک کورنتی است، دیده می‌شود که همانا بر حضور اسیران رومی در ساخت و معماری شهر بیشاپور و تاثیر فرهنگی آنان بر بناهای شهر صحه می‌گذارد.

در بدنه هر دو ستون آسیب‌هایی به‌صورت حفره و شکستگی سنگ‌ها پدیدار است. هرکدام از ستون‌های یادبود روی دو سکوی پله‌ای قرار گرفته‌اند. ارتفاع آنان تقریبا شش متر و ۷۰ سانتی‌متر است. سکوهای محل قرارگیری آتش و پیکره‌ها در جلوی ستون‌ها و به دوران پادشاهی اردشیر و شاپور را ذکر کرده است.

کتیبه‌های روی ستون‌های یادبود مربوط به اوایل حکومت ساسانی است. به همین منظور به دو خط نوشته شده است. وضعیت قرارگیری کتیبه‌ها به سمت شرق است که در هنگام طلوع خورشید مستقیما در معرض نور قرار می‌گیرد.

بیشاپور به سال ۱۶۶ میلادی و به دستور شاپور اول پادشاه ساسانی ساخته شده است. پس از پیروزی شاپور بر والرین امپراتور روم، شاپور دستور داد در ناحیه‌ای خوش آب و هوا بر سر راه تخت جمشید به تیسفون شهری بنا کنند. این جاده در زمان هخامنشیان، شهرهای تخت جمشید و استخر را به شوش وصل می‌کرد. شاپور نام خود را بر این شهر نهاد. معماری از اهالی سوریه قدیم به نام ایسای برای ساخت شهر تازه انتخاب شد. بیشاپور در کنار دره چوکان واقع است و فاصله آن تا کازرون ۱۹ کیلومتر است. بیشاپور در کنار رود شاپور قرار گرفته است. شهر تاریخی بیشاپور در ۲۴ شهریور سال ۱۳۱۰ خورشیدی، به شماره ۲۴ در فهرست میراث ملی ایران به ثبت رسید.

اهمیت سنگ‌نوشته‌های تاریخی در شناساندن هویت اجتماعی

پرستو قاسمی‌اندرود
پژوهشگر باستان‌شناسی دوران اسلامی

سنگ‌نوشته‌های تاریخی ازجمله میراث مکتوب جوامع بشری‌اند که با توجه به مقاوم‌بودن جنس آن نسبت به سایر آثار نوشته‌شده سالم‌تر و ملموس‌تر به دست ما و نسل‌های آینده می‌رسند. اهمیت سنگ‌نوشته‌ها را می‌توان در نقش تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، هنری و در انواع سنگ فرمان، سنگ محراب، سنگ وقف، سنگ یادبود، سنگ قبور تاریخی، سنگاب و سنگ‌نوشته‌ها به‌عنوان جزئی از معماری ابنیه تاریخی بررسی و مطالعه کرد. این میراث کران‌قدر بر اثر عوامل طبیعی شامل نور خورشید، باد و باران، رطوبت، رشد گلسنگ‌ها، فضولات حیوانات، باران اسیدی، زلزله، سیل، آتش‌سوزی و عوامل انسانی شامل جابه‌جایی غیراصولی، سرقت، به‌کارگیری به‌عنوان مصالح ساختمانی، روشی‌کردن آتش در داخل بناها، در معرض تخریب و نابودی قرار دارند. ایران از حیث آفرینش سنگ‌نوشته‌ها جزء چند کشور باستانی است و یکی از خاستگاه‌های کتیبه‌نویسی در جهان است که از دوره ایلامیان به‌طور گسترده آغاز می‌شود و تا دوره معاصر همچنان ادامه می‌یابد تا اواخر دوره ساسانی کتیبه‌نویسی یکی از اسناد و مدارک رسمی دولت تلقی می‌شد.

اولین سنگ‌نوشته‌ها، در قرن ۱۶ میلادی (۱۰ هجری‌قمری) مورد توجه و مطالعه واقع شدند و از منابع دست‌اول تاریخی محسوب می‌شوند و در بعضی مواقع گره‌گشای نشئت‌های پیش‌آمده در ذکر موضوع و رویدادهای تاریخ است.

به‌طورکلی سنگ‌نوشته‌های تاریخی کشورها به دوره قبل از اسلام و بعد از اسلام طبقه‌بندی می‌شوند. هریک از این دوره‌ها به تقسیمات جزئی‌تری با نام سلسله‌های حکومتی نام‌گذاری شده‌اند. بنابراین در پژوهش‌های تاریخی این حوزه می‌توان با مستندسازی سنگ‌نوشته‌های منقول و غیرمنقول، شناسایی آسیب‌های وارده و رفع موارد برای حفظ آثار باقی‌مانده، انتقال سنگ‌نوشته‌های منقول و غیرمنقول به محلی امن و حفاظت بیشتر، مستندسازی کتیبه‌ها و بررسی نقوش حجاری‌شده و شناسایی استادکاران، حجاران و هنرمندان حک‌شده روی سنگ‌نوشته‌ها بتوان منبع اطلاعاتی این حوزه را جمع‌آوری و برای حفاظت، معرفی و نمایش آنها تصمیم‌گیری جامع‌تری انجام داد.

استان زنجان با هشت شهرستان در شمال غرب ایران قرار دارد که در مطالعات انجام‌شده در سطح ابنیه و محوطه‌های تاریخی دوران اسلامی استان زنجان، نتایج زیر به دست آمد و سنگ فرمان دوره قاجار یک عدد، سنگ محراب سه عدد با دوره‌های سلجوقی و قاجار، سنگ وقف سه عدد با قدمت قاجار، سنگ یادبود در ابنیه تاریخی ۱۱ عدد با دوره‌های صفوی و قاجار، سنگ‌قبر با کتیبه و نقوش سالم ۴۰ عدد دوره‌های ایلخانی تا قاجار، قوچ سنگی کتیبه‌دار شش عدد دوره تیموری و صفوی، کتیبه‌های سنگی جزئی از بنا دو عدد دوره ایلخانی و سنگاب یک عدد دوره قاجار است. نبود آموزش لازم به روستائیان، دهیاران، دانش‌آموزان و مسئولان برای شناسایی و حفظ آثار منطقه مورد زیست باعث شده این میراث ارزشمند و تکرارناشدنی در خطر نابودی و حذف از تاریخ قرار بگیرد؛ بنابراین رسالت مطالعات پژوهشی این حوزه و حوزه‌های دیگر تاریخی بر عهده پژوهشگران و باستان‌شناسان است که با مستندسازی، شناخت آسیب‌شناسی، رفع خطر و ایجاد محلی امن به نام موزه سنگ‌نوشته به معرفی آثار منقول و غیرمنقول برای نکهداری این آثار برای نسل‌های آینده بپردازند.

تأثیر آشور بر تمدن عیلام

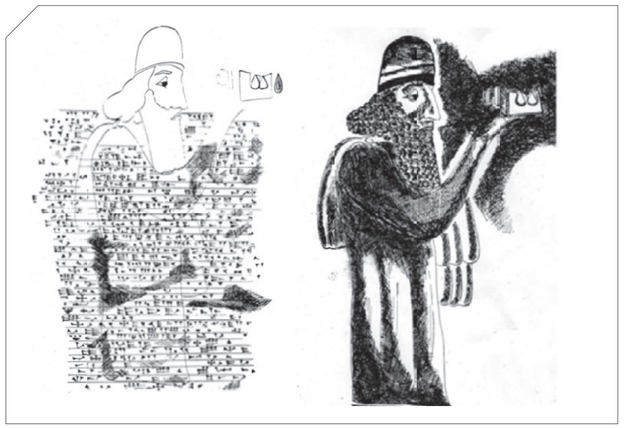

هادی رضایی: ناکنون مدارک مستقیم اندکی از لشکرکشی‌ها و درگیری‌های آشوریان با ساکنان منطقه زاگرس در خطوط مقدمه به دست آمده است. این در حالی است که بایگانی‌های آشوری و نقوش برجسته کاخ‌های دوره آشور نو در شمال بین‌النهرین اطلاعات ارزشمندی را درخصوص لشکرکشی‌ها، درگیری‌ها و پیروزی‌های آشوریان در اختیار قرار می‌دهد. به طور کلی مدارک این چنینی در خاک خود ما و عیلام نسبتا ناچیز و پراکنده‌اند؛ ازاین‌رو مدارک و کشفیات جدید می‌تواند اطلاعات سودمندی را به دانش ما دراین‌باره بیفزاید. در بازدیدهای اخیر دو کوه‌نورد در سال ۱۳۸۷ در جنوب شرقی ایلام شهرت بسیار زیادی یافتند. کلاه و کارد کاملا آشوری نشان می‌دهد. هرچند به علت فقدان کتیبه بحث درمورد سازنده این نقش دشوار به نظر می‌رسد؛ اما براساس مشابهت‌های نزدیک با نقش برجسته اشکفت کل کل به نظر می‌رسد که این شخص همان کسی است که در اشکفت کل کل نقش شده و احتمالا یکی از سه پادشاه نیرومند مقتدر آشور نو یعنی سناخریب، آشوربانی‌پال و اریاسین را نشان می‌دهد. غرب ایران در قرون هجدهم و نوزدهم شدیدی مدتی در منطقه به‌ویژه اورارتوها، آشوری‌ها، بابلی‌ها، مانائی‌ها، عیلامی‌ها و مادها با یکدیگر بوده است. دراین‌میان درگیری‌های زاگرس که همواره به لحاظ منطقه اقتصادی مورد توجه آشوریان بوده، بسیار باحساسیت است. با قدرت‌گیری آشوریان اغلب این درگیری‌ها به منطقه زاگرس کشیده شد و به همین سبب روزبه‌روز گستره فرمانروایی آنها افزوده می‌شد. کوهستان زاگرس و به‌ویژه نیمه غربی و شمال غرب ایران نیز تاکنون منبع پایان‌ناپذیری از غنائم ارزشی به شمار می‌آمد. در فاصله سده‌های دهم تا هفتم ق.م. آشوریان با حدف شدنی و غنائمی نیز سرانجام ساکنان زاگرس را به‌طور ناگهانی به میان ماجرای نابرابر به نبردهای میان ملت‌ها و آشوریها کشاندند (ملکزاده، ۱۳۸۲). به طور کلی مدارک و نوشته‌های میان‌رودانی بارها به نبردهای میان ملت‌ها و آشوریها اشاره کرده‌اند. با آنکه در اخاک آشور خاورمیانه و مدارک کافی درمورد لشکرکشی‌ها، درگیری‌ها، پیروزی‌ها و فتوحات آشوریان در خاک ملت‌ها و عیلام به دست آمده؛ اما شواهد چندانی دراین‌باره در خاک ما به دست نیامده است. مدارک کنونی تنها محدود به سه کتیبه، یکی از نقش‌های مختلف سرزمین‌های واقع در شرق آشور به دست آمده است. هرچند شمار این یافته‌ها اندک است؛ اما تا حدودی توانسته اطلاعات ارزشمندی را به‌ویژه درخصوص مسیر لشکرکشی‌ها و محدوده تحت تصرف آشوریان را دراختیار قرار دهد. این در حالی است که کشف هرایدمان دیگری از این دیوان می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را درخصوص محل وقوع حوادث و رویدادهای مهم و حتی گستره تحت تصرف امپراتوری آشور در اختیار قرار دهد. بی‌تردید مدارک بیشتری، بیش از آنچه تاکنون شناسایی شد، وجود دارد که می‌تواند ما را در بازسازی گذشته وقایع مهم قرون دهم تا هفتم ق.م. یاری کند. کشف نقش‌برجسته دیگری از این دوره ـ که احتمال افزوان در ارتباط با فتوحات و درگیری‌های آشوریان در خاک ماد و عیلام ـ می‌تواند زمینه ازسرگیری پژوهش‌های باستان‌شناختی و تاریخی درخصوص جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوره آشور نو باشد. این در حالی است که همه‌اگنون نیز نداسته‌های فراوانی درخصوص بسیاری از راه‌ها، مسیرها، مکان‌ها، شهرها و حتی رخدادهای این دوره وجود دارد.

در زمان تیگلات پیلسر سوم دولت مردمان کوهستانی که مابین عیلام و آشور زندگی می‌کردند، مطیع دولت آشور شدند و پس از آن این دو دولت با یکدیگر همپیمانه شدند. در این زمان بابل تحت تسلط آشور قرار داشت. دولت عیلام قصد داشت با مردم بابل که از اشغال کشورش ناراضی بودند، همکاری کند. در سال ۷۵۴ پیش از میلاد رواط دو کشور در موقعیت جنگی قرار گرفت. در واقع جنگی که قطعی باشد، بین طرفین روی نداد. بلکه آشور به اغتشاشات داخلی عیلام دامن می‌زد. چنان‌که برآن‌تر الله مرای تو برادر پادشاه عیلام، او را گرفت و کشت و به تخت نشست. بعد از چندی این پادشاه هم گرفتار طغیان یکی از فرماندهانش شد و مجبور به ابندیغاش شد و او از ملک خود و به طرف خلیج فارس فرار کرد و بالاخره گرفتار شد و به نینوا به اسارت رفت. آشوریانی بال با او به مهربانی رفتار کرد زیرا او را برای اجرای خیالات خود راجع به عیلام لازم داشت.

جنگ هفتم

دراینزمان این جنگ و زمان سقوط عیلام اختلاف در مجموع دوراند. زمان این جنگ در سال ۶۵۳ پیش از میلاد و ۶۳۶ پیش از میلاد ذکر شده است. پادشاه آشور که از نتایج جنگ قبلی ناراضی بود، باز در پایه‌ریزی جنگ با عیلام می‌کشت و با این مقصود تمام مادی تو را به عیلام فرستاد و از خوم بان کالدانی استرداد کلدانیان مزبور و تندیس زنانی را مطالبه کرد. پادشاه عیلام دید قبول‌کردن این مطالبه، با مرگ او مساوی است. بنابراین تصمیم گرفت مقاومت کند و آشوریان قشون قوی خود را به عیلام حرکت داده و وارد شوش شدند و در این شهر آنچه توانستند، کردند. فرماندهان عیلامی که از غنایم جنگ‌های بابلی آنها با سومر و اکد پر بود، به دست آشوریان افتاد. همچنین طلا و نقره‌ای که بابل در موقع اتحاد به عیلام داده بود، با مجسمه‌ها و اشیای نفیس معابد بابلی‌ها به اسارت رفتند. در این جنگ دیری بود، به نینوا منتقل شد. آشوریان به کشتار و غارت اکتفا نکرده. استخوان‌های پادشاهان و اشخاص عالی‌رتبه عیلام را از قبور بیرون آورده و به نینوا فرستادند و ۳۴ مجسمه پادشاهان عیلام که از طلا و نقره و مرمر و ... ساخته شده بود، جزء غنایم آشوری شد. جنگ در سال ۶۵۳ پیش از میلاد در عیلام بود. به دست آمده پادشاه آشور اغتشاه و برای شهر آخر پس فرستاده شد. آشوریان پس از کشتار و غارت شهرها اسرای بی‌شماری را برای آشور و چه از شوش و چه از شهرهایی که تسلیم بودند، به آشور بردند. مملکت عیلام پس از اغتراض مغلوب شد. این فرصت یا به همینگی از حمله آشور مجبور تشکیل اتحادهای از شاهزادگان و شهریاران ماد شد. این خود پایه‌ای بود برای تشکیل شاهنشاهی ماد. رهبران این جنبش، بیژیان دیاکو (دیوکس منابع یونانی، درون تقریبی حکمرانی از ۷۰۹ تا ۶۵۶ م ق) نخستین پادشاه ماد بودند.

جنگ چهارم با جنگ تولیز

رنگ سرزنیو سعت آشور را در سال ۸۲۴ پیش از میلاد و رنگ سبز روشن وسعت آن را در سال ۶۷۱ پیش از میلاد نشان می‌دهد. (لازم به تذکر است که این نقشه توسط کاربران ویکی‌پدیا تهیه شده است) در سال ۶۶۹ پیش از میلاد آشوربانی پال به اخاک آشور نوشت و تمام حواس خود را به خواباندن شورش مصری‌ها متوجه داشت. عیلامیان از فرصت استفاده کردند و به اخاک و تاز در سرزمین بابل برداختند و غنائمی از آنجا به دست آوردند. پسران و دختران شما خوب هست، نجیب‌زادگان و کشور من خوب هستند. امیدوارم اورتوکو شاه ایلام برادر من، سلامت باشد. امیدوارم پسرش و دختران من سلامت باشند. امیدوارم نجیب‌زادگان و کشور شما در خوبی باشند. آشور، سین، شَمَش، بل، نبو، ایشتر از نینوا، ایشتر از اربیل و مزنیزیی (Manzniri) آنچه را وعده داده بودند، به انجام رسانده و تأیید کرده‌اند و روابط دوستانه ما را به بالاترین حد خود رسانده‌اند: (SAA16: 1). در این نامه آشکار است که در حکم تضمینی برای عیلامیان، فرزندان دو پادشاه طرف معاهده معاوضه شده‌اند و اسرخدون شاه ایلام را «برادر» خطاب کرده و از احوال او جویا شده است که نشان‌دهنده همتراز محسوب‌کردن او با خود است. این ویژگی در دیگر پیمان‌های نوآشوری مشاهده نمی‌شود. این پیمان، پرسش شاه ایلام عوارضی را بعنوان مبادله با بابل پرسید. بعد از کشته‌شدن تاوماش پسر بزرگ اورتاکو به نام خود بان ایگاش به بادشاهی عیلام نامزد شد و آشوریان باج و خراج از عیلام گرفته به نینوا مراجعت کرد.

جنگ پنجم

بعد از جنگ تولیز برادر آشوربانی‌پال که در بابل بادشاه بود، بر اوباغی شد. در ابتدا پادشاه عیلام که دست‌نشانده آشور بود، بی‌طرف ماند. ولی پادشاه آشور خواست عیلامیان تندیس نانای را مسترد دارند. بابلیان عیلام در موقع بسیار ناگواری واقع شد. چه این مجسمه‌ها در شوش بود و چون مورد پرستش بسیاری از مردم عیلام بود. رنگدون آن با مناقع بادشاهی عیلام مباینت داشت. در این احوال بابل به پادشاه عیلام باز وجهی از خزانه به بابلی‌ها داد و از جهت موقعیت سخت و بدی که داشت. مجبور شد از ملک خود بگذرد. سال ۷۵۱ پیش از میلاد رواط دو کشور در موقعیت جنگی قرار گرفت. در واقع جنگی که قطعی باشد، بین طرفین روی نداد. بلکه آشور به اغتشاشات داخلی عیلام دامن می‌زد. چنان‌که برآن‌تر الله مرای تو برادر پادشاه عیلام، او را گرفت و کشت و به تخت نشست. بعد از چندی این پادشاه هم گرفتار طغیان یکی از فرماندهانش شد و مجبور به ابندیغاش شد و از او ملک خود و به طرف خلیج فارس فرار کرد و بالاخره گرفتار شد و به نینوا به اسارت رفت. آشوریانی بال با او به مهربانی رفتار کرد زیرا او را برای اجرای خیالات خود راجع به عیلام لازم داشت.

جنگ هفتم

دراینزمان این جنگ و زمان سقوط عیلام اختلاف در مجموع دوراند. زمان این جنگ در سال ۶۵۳ پیش از میلاد و ۶۳۶ پیش از میلاد ذکر شده است. پادشاه آشور که از نتایج جنگ قبلی ناراضی بود، باز در پایه‌ریزی جنگ با عیلام می‌کشت و با این مقصود تمام مادی تو را به عیلام فرستاد و از خوم بان کالدانی استرداد کلدانیان مزبور و تندیس زنانی را مطالبه کرد. پادشاه عیلام دید قبول‌کردن این مطالبه، با مرگ او مساوی است. بنابراین تصمیم گرفت مقاومت کند و آشوریان قشون قوی خود را به عیلام حرکت داده و وارد شوش شدند و در این شهر آنچه توانستند، کردند. فرماندهان عیلامی که از غنایم جنگ‌های بابلی آنها با سومر و اکد پر بود، به دست آشوریان افتاد. همچنین طلا و نقره‌ای که بابل در موقع اتحاد به عیلام داده بود، با مجسمه‌ها و اشیای نفیس معابد بابلی‌ها به اسارت رفتند. در این جنگ دیری بود، به نینوا منتقل شد. آشوریان به کشتار و غارت اکتفا نکرده. استخوان‌های پادشاهان و اشخاص عالی‌رتبه عیلام را از قبور بیرون آورده و به نینوا فرستادند و ۳۴ مجسمه پادشاهان عیلام که از طلا و نقره و مرمر و ... ساخته شده بود، جزء غنایم آشوری شد. در سال ۶۵۳ پیش از میلاد، آشوربانی‌پال به دست پادشاه ایلام فرار کرد و برای شهر آخر پس فرستاده شد. آشوریان پس از کشتار و غارت شهرها اسرای بی‌شماری را برای آشور و چه از شوش و چه از شهرهایی که تسلیم بودند، به آشور بردند. مملکت عیلام پس از اغتراض مغلوب شد. این فرصت یا به همینگی از حمله آشور مجبور تشکیل اتحادهای از شاهزادگان و شهریاران ماد شد. این خود پایه‌ای بود برای تشکیل شاهنشاهی ماد. رهبران این جنبش، بیژیان دیاکو (دیوکس منابع یونانی، درون تقریبی حکمرانی از ۷۰۹ تا ۶۵۶ م ق) نخستین پادشاه ماد بودند.

جنگ هشتم

جنگ شوش آخرین جنگ بین عیلام و دولت آشور بود که با پیروزی آشوربانی بال پادشاه آشور به پایان رسید. زمان این جنگ در سال‌های ۶۳۵۵ و ۶۳۴۳ گاه ایرانی ذکر شده است. درمورد زمان این جنگ اختلاف در مجموع وجود دارد. کتیبه آشوربانی بال دراینباره فتح و نابودی عیلام چنین می‌گوید: شهرهای شاهر شهور شوشان و شهر ماداکتو و شهرهای دیگر را با توبره به آشور کشیدم و در جنگ به پیکار و روز کشور عیلام را با همه بهای آن جاریت کردم. من این کشور را از جاریانش و کوسیند و بز از نغمه‌های موسیقی بی‌بهره ساختم و به دزدنگان، مارتان، جاتوران و آهوان رخصت دادم که آن را فروگیرند.

تمدن جیرفت: یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان

تاریخچه جیرفت به حدود پنج هزار سال پیش برمی‌گردد؛ تمدن عصر مفرغ که به تمدن جیرفت معروف شده در این منطقه متولد شده است. ردیابی از این تمدن در تپه‌های صندل دوقلوی کنار بیدا شده است؛ جایی که باستان‌شناسان لوح‌های گلی و سنگی با شخصیت‌های اصلی را کشف کردند که کمان می‌رود منشأ سیستم نوشتاری عیلامی و همچنین معبدی شبیه زیگورات باشد. باستان‌شناسان می‌گویند مطالعات بیشتر روی آثار کنار صندل، جیرفت و نه بین‌النهرین را به‌عنوان زادگاه قدیمی‌ترین تمدن جهان شرق نشان خواهد داد.

•••

یک مرکز فرهنگی بزرگ

حدود یک قرن است که می‌دانستیم ایران باستان عامل اصلی مجموعه جمعیت‌هایی بود که پایه‌های توسعه تمدن‌ها را پی‌ریزی کردند؛ اما اثبات واقعی این واقعیت تنها از طریق اکتشافات بسیار اخیر در دسترس است. اکنون به یقین می‌دانیم که در زمان‌های بسیار قدیم، این کشور نقش بیشتر را در تدوین و بسط پیشرفت‌های فنی و هنری ایفا کرده است. کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده اخیر در جنوب شرقی ایران نشان می‌دهد در طلوع تمدن شهری، فلات ایران و سوسیانا به اندازه بین‌النهرین اهمیت داشتند.

تحقیقات باستان‌شناسی که هنوز در دره هلیل‌رود در جنوب کرمان در حال انجام است، ابتدا به حفاظت از گورستان‌های ماقبل تاریخ در برابر غارت‌های مخفیانه و گسترده ساکنان منطقه مربوط می‌شود. مردم محلی به‌طور سیستماتیک مقبره‌ها را غارت می‌کردند و گنجینه‌های دزدیده‌شده به بازارهای هنری بیشتر در جهان غرب ـ لندن، زوریخ، نیویورک و... فرستاده می‌شد. ارزش تجاری، در نتیجه تبدیل به مصنوعات منزوی و «بی‌صدا» برای مورخان، مورخان هنر و مردم‌شناسان می‌شود. مصنوعیت رسمی غارت، همراه با پیدایش بررسی‌های علمی که توسط باستان‌شناسان ایرانی ترتیب داده شده است، نشان داده که این منطقه مرکز فرهنگ و هنری بوده که در حدود سه‌هزاره ۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح توسعه یافته است. خلاقیت‌های معماری و مجسمه‌سازی در مناطق واقع بین کرمان و نکته مرمز در ارتفاع هزار و ۶۸۹ کیلومتر (۶۰۰ متری) از سطح دریا و در منطقه‌ای از نخلستان‌ها احاطه‌شده با کوه‌هایی با ارتفاع بیش از ۱۳ هزار فوت (چهار هزار متر) آشکار شد. آثار کشف‌شده از سوی باستان‌شناسان همزمان با شکوفایی هنر سومری در شهرهای باستانی اور، العبید، اوروک یا توله (لاگاش) بوده و از جهاتی با تولید این مکان‌های معروف رقابت می‌کند.

در جنوب شرقی ایران، تمدنی بیش از عیلامی وجود داشت که در اوایل به شکل ابتدایی نوشتاری می‌آید که گواه آن الواحی است که در تپه سیلک (کاشان، شمال اصفهان)، تپه یحیی و شوش به دست آمده است. بزرگترین شهر عیلام در آن دوره در واقع شوش بود که در محل تلاقی دره‌های رودخانه خرخ و کارون قرار داشت که امروز به دو بین‌النهرین بسیاری سفلی به دجله و فرات می‌ریزد. بنابراین‌حال، کشاورزی که از سال ۱۸۸۳ به بعد توسط ماموریت فرانسوی در شوش در اختیار مختلف بعدت خوزستان شوش به باد می‌کند، این مکان را زنان ویران کرد که اکنون نمی‌توان داده‌های زمانی را با هیچ درجه قطعیتی به دست آورد. هدف از کاوش‌ها در آن زمان، تمرکز بر گرداوری اشیا (سفال و مجسمه) به جای تلاش برای تعیین تاریخ بر اساس چینه‌شناسی بود.

در نتیجه، باستان‌شناسان اکنون نمی‌توانند ارتباط دقیق سال‌های قطعه‌های شوش را که بیش از یک قرن پیش از تپه یحیی کشف شده است، ارائه کنند. تاریخ‌های منتشرشده توسط André Parrot در سال ۱۹۶۰ درمورد این آثار ـ آغاز هزاره چهارم قبل از میلاد ـ باید با احتیاط پذیرفته شود. در هر صورت در ادامه به این موضوع باز خواهیم گشت.

حفاری‌های آموزشی

یوسف مجیدزاده، باستان‌شناس ایرانی که اکنون در محوطه هلیل‌رود (وه‌پزیه جیرفت، محلی که هنر منطقه به نام آن نام‌گذاری شده است) تحقیق می‌کند، مجموعه‌ای از صدها شیء، سنگی با تزئینات هیولا و جعل‌آوری کرده است. کیفیت ویژه مواد محلی ـ نوعی کلریت ـ از یک سو برای مجسمه‌سازی مناسب می‌کند؛ کلدان‌ها، کاسه‌ها، بطری‌های استوانه‌ای، مجسمه‌ها، وزنه‌ها (شکل «کیف پول») و مجسمه‌های حیوانات که همه با اشیای سرامیکی مختلف همراه هستند.

تحقیقات انجام‌شده در تپه‌های کنار صندل و تپه یحیی و همچنین در کورستان‌های جیرفت، کنار صندل و تپه یحیی و همچنین در کورستان‌های مکان‌های مسکونی بی‌شماری در دره کشف شده‌اند؛ جایی که این هنر «تدفین» نه‌تنها شکوفا شد، بلکه به یک صنعت واقعی تبدیل شد. این اشیا علاقه زودهنگام را آشکار می‌کنند.

جمعیت‌های فارس جنوبی در پیان هنری

به‌طورکلی، آفریده‌های دره هلیل‌رود در سنگ کلریت نسبتا کوچک هستند؛ از کلدان‌هایی با پایه، کلدان‌های مواظب‌شکل با کردن بالن، کاسه‌های استوانه‌ای‌شکل، وزنه‌ها (یک دلیل دسته نبود)ویاری که به کیفدستی یا جیرفت می‌کوبند) تشکیل شده‌اند، پرتره‌های حکاکی‌شده در سنگ، پیکرهای حیوانات (شیر، عقاب، عقرب، دیسک‌های با تزئینات برجسته، بلاک‌ها و لوحه‌های مستطیل‌شکل و طوره مکعبی پوشیده‌شده با نقوش تکرارشونده.

انواع ترئینات به معنای واقعی کلمه بسیار متفاوت است: اغلب شامل خطوط موج ساده، دیدی خطوط نقطه‌چین، صلیب، مارپیچ یا نقوش تکراری است که بسیار شبیه حلقه‌های پشمی یا فرهایی است که کوه‌بیش توسعه یافته‌اند. این نوع اخیر که نشان‌دهنده پشم قوچ یا بز است، با تکنیکی ارائه شده است که لباس مجسمه‌های سومری کاهش و فرمانروایان وارد را کـه طوطی آشکارا کرده است، با لباس الهه‌های شوش به باد می‌آورد یا دیواره موزاییک‌های به‌اصطلاح استانداردهای اور.

مارپیچ‌هایی به شکل نوارهای موج‌دار نشان‌دهنده رودخانه هلیل‌رود هستند. درحالی‌که برآمدی‌های کوچک روی هم قرار گرفته که شبیه آبرومی از زمین هستند که توسط خال‌ها به سمت بالا رانده شده‌اند، نشان‌دهنده زنجیره‌های کشاورزی هستند که محیط طبیعی دره را تشکیل می‌دهند. پوشش گیاهی نیز توسط الیاری دارد: نخل‌های خرما یا انبوهی از ریشه‌هایی که در زمین فرومی‌روند. نخل‌های بزرگی که بالا می‌آیند و سپس خم می‌شوند و همچنین گیاهان خزار معمولی اسب‌ها و حتی اقاقیا و مخروطی‌ها، سطوح این اشیا همچنین ممکن است با حفره‌هایی پوشیده شده باشد که در آن سنگ‌های یکسانی نصب شده‌اند: صنعتگران با تراشیدن سنگ آسفید، الاباستر، قیراب یا لاجورد (از افغانستان) ترکیب‌های رنگی ایجاد کرده‌اند که جلوه‌ای از زرق و برق به آثارشان می‌بخشد.

جیرفت، تخت‌سلیمان و تمدن

یک ریترتوار کامل روی موتیف معماری ارائه شده که در مجموع شکفت‌انگیز دیگری در تولید هنری این زمان است. روی کاسه‌های استوانه‌ای، تصاویری از نمادهای منظم، با ستون‌هایی که آرزوهای بلند را تشکیل می‌دهند، وجود دارد. اتاقک‌ها با درها و پنجره‌ها از آبرشیوه‌های خمیده پوشانده شده‌اند که به نظر می‌رسد اتاقک‌ها با وزن سنگ‌های بزرگ ساخته شده است که تاج بالای آن‌ها را تشکیل می‌دهند. (تپه) این سکوهای قد که ۳۶ تا ۱۰ فوت (۱۱ تا ۱۵ متر) بالاتر از سطح دشت قرار دارند و مساحتی در حدود ۱۰ هکتار (چهار هکتار) دارند، برای فرار مردم در اینزا زندگی می‌کردند و هرکار خانه‌های کوچک را که از آجر و خشت ساخته‌شده بود، بازسازی می‌کردند. زمین فشرده‌شده با کاه و قلوه‌سنگ، از آنجایی که این ماده سازنده بود، نمی‌توانست در برابر آب‌وهوا و هجوم مردمان مهاجم یا عناصر مقاومت کند؛ بنابراین ساکنان مجبور بودند به‌طور مداوم روی محروبه‌ها بناهای جدید بسازند. این امر منجر به ایجاد تپه‌های مصنوعی به نام تپه شد. باستان‌شناسان ۱۵.۱۲ با ۱۸ هزار سال قبل از میلاد دریافتند، شناسایی شده‌اند که بسیار شبیه به تپه‌های بین‌النهرین است.

یکی از شگفت‌انگیزترین جنبه‌های فرهنگی که در جیرفت شرقی ایران رشد کرد، وجود گونه‌ای از نوشتار معروف به پیش‌الامی است که احتمالا مربوط به هزاره چهارم است.

اولین لوح‌